

عشق ورزیدن به خداوند با عشق نخستین،
مسرت بردن از خداوند به عنوان درخت حیات،
و چراغدان طلا بودن به عنوان شهادت عیسی
برای بناسازی اورشلیم نو به عنوان هدف اقتصاد جاودان خدا

مطالعه متون مقدس: مکاشفه ۲: ۱-۷؛ افسسیان ۶: ۲۴؛ ۲

تیموتائوس ۱: ۱۵؛ ۲ قرن‌تیاں ۱۱: ۲-۳؛ یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳؛ ۱۵-۱۷

۱. در مکاشفه ۲: ۷ درخت حیات حاکمی است از مسیح مصلوب (دلالت دارد بر درخت به عنوان یک تکه چوب - ۱ پطرس ۲: ۲۴) و رستاخیز کرده (دلالت دارد بر حیات خدا - یوحنا ۱۱: ۲۵)، که امروز در کلیسا بوده، تکامل آن اورشلیم نو خواهد بود، که در آن مسیح مصلوب و رستاخیز کرده، آن درخت حیات برای تغذیه و مسرت همه مردم باز خرید شده خدا برای ابد خواهد بود (مکاشفه ۲: ۲۲، ۱۴؛ ر.ک. خروج ۱۵: ۲۵-۲۶).

۲. کلیساها در آسیا، از جمله کلیسای افسس، از خدمتگزاری نامزد کننده پولس رسول روی گردان شده بودند (۲ تیموتائوس ۱: ۱۵؛ ۲ قرن‌تیاں ۱۱: ۲-۳): از این رو، می بینیم که تقریباً بیست و شش سال بعد، وقتی که یوحنا رسول آن رساله را به کلیسا در افسس نوشت، آنها عشق نخستین خود را ترک کرده و مسرت واقعی مسیح به عنوان درخت حیات را از دست داده بودند (مکاشفه ۲: ۴-۵، ۷):

آ. خدمتگزاری واقعی عهد جدید همیشه ما را بر می انگیزاند که به خداوند عیسی با عشق نخستین عشق ورزیده، ما را در سادگی خوردن و مسرت بردن از مسیح به عنوان درخت حیات، برای تأمین حیات ما، تقویت می کند - ۲ قرن‌تیاں ۱۱: ۲-۳؛ ۳: ۳-۶.

ب. عاشق خداوند بودن با عشق نخستین به معنای برتری و مقام اول را در همه چیز به او دادن بوده، فرو گرفته شدن با عشق اوست تا او را به عنوان همه چیز در زندگی خود در نظر گرفته و در پیش گیریم - مکاشفه ۲: ۴-۵؛ کولسیان ۱: ۱۸؛ ۲ قرن‌تیاں ۵: ۱۴-۱۵؛ مرقس ۱۲: ۳۰؛ مزامیر ۷۳: ۲۵-۲۶.

پ. کلام پایانی پولس در رساله به افسسیان، برکت فیض است بر «همه کسانی که خداوند ما عیسی مسیح را در نامیرایی [فساد ناپذیری] دوست می دارند» (۶: ۲۴)؛ در کتاب افسسیان عبارت «در محبت»، که سرشار از احساس است، مکرراً استفاده می شود (۱: ۴؛ ۳: ۱۷؛ ۴: ۱۶-۱۵؛ ۵: ۲).

ت. هدف کتاب افسسیان این است که ما را به درون عشق، [یعنی] جوهر درونی خدا بیاورد، تا بتوانیم از خدا به عنوان عشق مسرت برده و از حضور او در شیرینی عشق الهی مسرت ببریم و بدین ترتیب دیگران را دوست بداریم همانطور که مسیح داشت - ۱: ۱۵؛ ۲: ۴؛ ۳: ۱۹؛ ۵: ۲؛ ۶: ۲۳؛ ر.ک. ۱ یوحنا ۴: ۱۹-۱۶.

ث. کلیسا در افسس در مورد عشق به خداوند شکست خورد؛ چنین شکستی تبدیل شد به دلیل اصلی شکست کلیسا در سرتاسر اعصار - متی ۲۴: ۱۲؛ مرقس ۱۲: ۳۰-۳۱؛ ر.ک. دانیال ۷: ۲۵.

ج. چهار نکته اصلی در رساله خداوند به کلیسای افسس در مکاشفه ۲: ۱-۷ وجود دارد؛ این چهار نکته اصلی، چهار کلمه هستند که [به انگلیسی] با حرف L شروع می شوند - عشق، حیات، نور و چراغدان:

۱. ما باید به خداوند عیسی از هر جهت و در همه چیز برتری دهیم تا عشق نخستین بازیابی شود؛ سپس ما از او به عنوان درخت حیات مسرت برده و این حیات تبدیل به نور حیات خواهد شد - یوحنا ۸: ۱۲؛ افسسیان ۵: ۸-۹، ۱۳.

۲. آنگاه ما مانند چراغدان طلا، به عنوان شهادت عیسی، خواهیم درخشید. در غیر این صورت، چراغدان از ما برداشته خواهد شد - مکاشفه ۱: ۹-۱۲، ۲۰:

(آ) چراغدان طلا نماد خدای سه یکتا است - پدر به عنوان جوهر در پسر تجسم یافته است، پسر به عنوان تجسم از طریق روح ابراز می شود، روح به طور کامل به عنوان کلیساها تحقق یافته و ابراز می شود، و کلیساها شهادت عیسی هستند - خروج ۲۵: ۳۱-۴۰؛ زکریا ۴: ۲-۱۰؛ مکاشفه ۱: ۱۰-۱۲.

(ب) در اندیشه الهی، چراغدان طلا در واقع درختی زنده و در حال رشد است با کاسه گل و شکوفه‌های بادام؛ از این رو، چراغدان نشانگر خدای سه یکتای تجسم یافته در مسیح به عنوان یک درخت زنده و طلا از رستاخیز است - که در حال رشد، شاخه زدن، جوانه زدن، و شکوفا شدن در ما، با ما، توسط ما، و از ما است به عنوان میوه نور (میوه روح) که نیکو در طبیعت، عادل در روش، و واقعی در ابراز است، تا خدا به عنوان واقعیت زندگی روزانه ما ابراز شود - خروج ۲۵: ۳۱، ۳۵؛ افسسیان ۵: ۸-۹؛ غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳؛ یوحنا ۱۲: ۳۶.

چ. خوردن درخت حیات، یعنی مسرت بردن از مسیح به عنوان تأمین حیات ما، باید موضوع اصلی در زندگی کلیسایی باشد؛ مسیح به عنوان درخت حیات «خوش خوراک» است (پیدایش ۲: ۹) تا ما او را برای مسرت خود بخوریم و برای ابراز خدا با او ساخته شویم (۱: ۲۶؛ یوحنا ۶: ۵۷، ۶۳).
۱. محتوای زندگی کلیسایی به مسرت مسیح بستگی دارد - هر چه بیشتر از او مسرت ببریم، محتوا غنی تر خواهد بود. ولی مسرت بردن ما از مسیح مستلزم آن است که او را با عشق نخستین دوست بداریم.

۲. اگر عشق نخستین خود را نسبت به خداوند ترک کنیم، مسرت مسیح را از دست داده و شهادت عیسی را از دست خواهیم داد؛ در نتیجه، چراغدان از ما برداشته خواهد شد - مکاشفه ۲: ۱-۷.

۳. این سه چیز - عشق به خداوند، مسرت از خداوند، و شهادت خداوند بودن - با هم هستند.

۳. بازیابی خداوند، بازیابی عشق به خداوند عیسی با عشق نخستین، عشق بهترین، و خوردن خداوند عیسی به عنوان درخت حیات برای بناسازی بدن ارگانیک مسیح است، که بناسازی اورشلیم نو به عنوان هدف اقتصاد جاودان خداست - افسسیان ۴: ۱۵-۱۶؛ مکاشفه ۲۲: ۱۴:

آ. برای مسرت بردن از مسیح به عنوان درخت حیات، باید همیشه به او بگوییم: «خداوند عیسی، عاشقتم». اگر ما عشقی سوزان نسبت به خداوند عیسی داشته و در همه چیز مقام اول را به او دهیم، از هر چه او هست مسرت خواهیم برد - ۲: ۴-۵، ۷؛ ۱ قرنتیان ۲: ۹.

ب. ایمان داشتن به خداوند به معنای دریافت او به عنوان حیات است، و عاشق خداوند بودن به معنای مسرت بردن از او به عنوان همان شخصی که دریافت کرده ایم است؛ ایمان توسط خدا به ما داده شده است تا توسط آن بتوانیم مسیح را به عنوان حیاطمان دریافت کنیم؛ عشق از چنین ایمان شگفت انگیزی حاصل می شود و ما را قادر می سازد تا همه غنای خدای سه یکتا را در مسیح به عنوان حیاطمان زیست کنیم - ۲ پطرس ۱: ۱؛ عبرانیان ۱۲: ۱-۲؛ ۲ قرنتیان ۴: ۱۳؛ غلاطیان ۵: ۶؛ یوحنا ۱: ۱۲-۱۳؛ ۲۱: ۱۵-۱۷؛ کولسیان ۳: ۴.

پ. آن حیاتی که وقتی به خداوند عیسی ایمان آوردیم دریافت کردیم، یک شخص است، و تنها راه اعمال و مسرت از این شخص این است که او را با عشق نخستین دوست بداریم؛ از آنجایی که خداوند عیسی به عنوان حیات ما یک شخص است، ما به یک تماس جدید با او نیاز داریم تا از حضور حاضر او در همین لحظه و روز به روز مسرت ببریم - یوحنا ۱۱: ۲۵؛ ۱۴: ۵-۶؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۴؛ ۲ قرنتیان ۵: ۱۴-۱۵؛ مکاشفه ۲: ۴-۷؛ کولسیان ۱: ۱۸؛ رومیان ۶: ۴؛ ۷: ۶.

ت. «خود را بسپار برای عشق به خداوند. هیچ راه دیگری این قدر غالب نیست، و هیچ راه دیگری این قدر امن، این قدر غنی و این قدر سرشار از مسرت نیست. فقط عاشقش باش. به هیچ چیز دیگری اهمیت نده.»

ث. وقتی که عاشق او هستیم، او خود را بر ما ظاهر خواهد کرد، و او و پدر نزد ما آمده و با ما مسکن خواهند گزید (یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳). از این رو، ما باید چنین دعاهایی داشته باشیم: «خداوند، عشق خود را به من نشان ده و مرا با عشق خود فروگیر تا عاشقت باشم و به تو زندگی کنم؛» «خداوند، مرا همیشه در عشق ورزیدن به تو نگه دار؛» ما باید مدام به خداوند بگوییم: «خداوند عیسی، عاشقتم. خداوند، مرا در عشق خود نگه دار! مرا با خودت جذب کن! مرا همیشه در حضور با محبت و حاضر خودت نگه دار.»

ج. هر چه بیشتر عاشق او باشیم، حضور او را در مشارکت با او بیشتر خواهیم داشت؛ برای اینکه ما به طور نهادی در بازیابی خداوند باشیم این است که عاشق خداوند عیسی باشیم؛ اگر عاشق او نباشیم، کارمان با بازیابی او تمام است - غزل غزلها ۱: ۱-۴؛ ۱ قرن‌تیا ۲: ۹؛ ۱۶: ۲۲.

چ. بر این اساس، ما باید بسراییم و دعا کنیم: «عاشقِ خدا، نه با عشقِ خود، / چون من هیچ ندارم؛ / عاشقتم، خدا، آن عشق از توست، / چون با عشقت زنده‌م» (سرود ۵۴۶، بیت ۱)؛ «چیزی که هر قلبی دوست دارد: / اگر عیسی نباشد، نمی تواند بی‌آساید. / خداوند، قلبم به تو داده شده است. / آن را بگیر، زیرا تو را از همه بیشتر دوست دارد» (سرود ۵۴۷، بیت ۱).